

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ندای آزادی / شهاب (بازنشر)
بازتایپ و ارسال: همایون اوریا
۱۳ جنوری ۲۰۲۱

مسخ فرهنگی و ضرورت مبارزه با آن

(۱)

تذکر:

مقاله مسخ فرهنگی در اواخر دوران تجاوز نیروهای اشغالگر تزاران نوین کرملین نشین به کشور ما، حاصل تلاش یکی از همکاران و نویسندگان "ندای آزادی" "ساما" در زمینه مسخ فرهنگی توسط استعمارگر روسی و مزدوران فرهنگ باخته "خلق" - پرچمی "اش" در کشور ما، نوشته شد. از آنجا که در اهداف استعماری، روش ها و ابزار مسخ فرهنگی توسط روس اشغالگر با امریکا - ناتوی اشغالگر فعلی همسانی کلی وجود دارد و در اوضاع ابتر جاری کشور اشغال شده و معروض به تجاوزات و مداخلات چند جانبه استعماری - ارتجاعی و در ادامه و اوج تهاجم و تعمیق فرهنگ استعماری - ارتجاعی برای نابودی و استحاله فرهنگ ملی ما، نیز قابل تطبیق است، به بازتایپ، ویراستاری و نشر مجدد آن اقدام کردیم. کمیته فرهنگی (ساما)

فرهنگ یک جامعه به مثابه مجموعه ارزش های مادی و معنوی جامعه می تواند معرف شخصیت و کرکتر اجتماعی مردم آن کشور باشد. آن مجموعه ارزش هائی که در جریان تکامل تاریخی جوامع بشری و همپای رشد و دگرگونی بنیاد های اقتصادی - اجتماعی آن جوامع تحقق یافته و شکل پذیرفته اند.

جوامع متعدد انسانی در گستره جهانی از یک جانب بنابر روابط و مناسبات ناگزیر بین المللی از همدیگر تأثیر بر می دارند و در نتیجه تداخل و امتزاج های فرهنگی شکل می گیرد و از جانب دیگر هر یک از این جوامع و کشور ها بنابر تطور و تکامل اقتصادی - اجتماعی ویژه و تاریخی شان، مجموعه ارزش های کلتوری، فکری، تاریخی، معنوی و سنت های معینه ای را به عنوان مشخصه های فرهنگ ملی و خاص شان حمل می کنند، که بر مبنای آن هویت فرهنگی جداگانه این ملت ها شناخته شده و تشخیص می یابد.

در این رابطه مسأله چگونگی مناسبات با جهان خارج و تحول بخشی مطلوب و تکامل مستقلانه فرهنگی جوامع و ملل عقب نگه داشته شده و در حال رشد از اهمیت خاصی برخوردار است. چه در مناسبات درونی هیولای عقب ماندگی چند جانبه، رشد متوازن و سالم فرهنگی این جوامع را انجام می زند، و در مناسبات بیرونی خطر هجوم غرض آلود فرهنگ های بیگانه و استعماری، تکامل طبیعی و حرکت عادی و مستقلانه فرهنگی این جوامع را تهدید به فنا می کند و

حرکت طبیعی را که بتواند ضمن حراست از ساحات و سنت های سچ و سالم فرهنگ ملی، از تحولات عظیم و پیشرفت مجموع بشریت در جهت شکوفائی مطلوب و سازنده آن بهره گیرد، به انحراف می کشاند .

در جهان کنونی ما که امپریالیست ها و نواستعمارگران همراه با سرازیر کردن سیلی از سرمایه های مالی غارتگرانه به سوی کشور های عقب نگه داشته شده و در حال رشد، هجوم فرهنگی شان را توأم با تبلیغات سرسام آور به پیش می برند و در پشت این تبلیغات امیال و اهداف شان را عملی می سازند .مسأله مسخ فرهنگی و " ازخودبیگانگی " فرهنگی ملل استعمار زده و عقب مانده یکی از مشکلات اساسی این کشور هاست که برای نیل به آزادی واقعی و پاره کردن رشته های اسارت و انقیاد، مبارزه علیه این روند و افشای ماهیت آن، یکی از ارکان مبارزه علیه استعمار، انقیاد و امپریالیسم می باشد.

توجه به مسأله ملی گرایی مترقی و مبارزه علیه مسخ فرهنگی به خصوص در کشور هایی که مورد تجاوز مستقیم استعمارگران قرار گرفته و پای اجانب مغرض در آن باز است، می تواند پادزهر این تهاجم امپریالیستی تلقی گردد . در کشور عزیز ما با آن تاریخ پرافتخارش که ده سال تمام مورد تاخت و تاز مستقیم استعمارگران تجاوزگر روس قرار داشته و اکنون با دست درازی ها و مداخلات بی شرمانه قدرت چند گانه بیگانه و بیگانه پرست به صحنه رقابت استعمارگران تبدیل شده است، خطر مسخ فرهنگی چه در داخل و چه در محیط مهاجرت و خارج از کشور افزایش یافته است .لهذا غرض درک و شناسائی بیشتر ضرورت های مبارزه علیه گرایشات و روند های مسخ فرهنگی در جامعه و در میان مردم ما، به رخداد ها و عواملی که باعث رشد، تقویت و توسعه این جریانات خطرناک می گردد، اشاره می نمائیم .

۱- مشکل مسخ فرهنگی در داخل کشور:

تجاوز مستقیم روس ها از طریق کودتای هفت ثور به کشور محبوب ما افغانستان قبل از همه شخصیت آزاده و غرور شورانگیز ملی مردم ما را که ممثل فرهنگ ملی ماست، به زیر سؤال کشید .در پاسخ به این تجاوز یا باید مردم ما سر تسلیم و سازش فرو می آوردند و یا باید در امتداد مبارزات افتخار آفرین تاریخی شان سرافرازانه مقاومت نوینی را در برابر استعمار و تجاوز بر پا می نمودند .

مقاومت شکوهمند مردم ما و رشادت های جانبازانه شان یک بار دیگر نشان داد که مردم قهرمان ما آزادی و غرور ملی را در سرشت خود داشته و فرهنگ آزاده پرور خود را حفظ کرده و با این حرکت بزرگ، شخصیت تاریخی اش را تثبیت و تکامل بخشیده است .

مردم قهرمان و آزادیخواه ما قبل از این که به عمق برنامه های استعماری تجاوزگران روسی و ایادی مزدور شان پی برده باشند، وجود حاکمیت مزدوران روسی باند های " خلق و پرچم " را به حساب " ننگ افغانی " خلاف ارزش های ملی و فرهنگی خود دانسته و بر مجموعه برنامه های استعمارگران روسی و دولت مزدورش مهر نفی زدند .

چنانچه مردم ما از همان آغاز نه به برنامه های فریبکارانه اصلاحات نام نهاد ارضی و امثال آن از خود رغبتی نشان دادند، و نه هم به تبلیغ اصلاحات استعماری آن ها .تا آن جا که عقب نشینی های مکارانه و تغییرات خجلت بار سیاست نواستعماری دولت مزدور نیز نتوانسته است تا اکنون جای پای واقعی در میان مردم افغانستان در این زمینه ایجاد نماید . استعمارگران روسی و دولت دست نشانده با شناسائی این مشخصه ملی و فرهنگی افغانستان برای درهم شکستن مقاومت بزرگ و شگفت انگیز مردم آزادیخواه ما در پهلوی سائر فعالیت های شان، با هجوم فرهنگ استعماری و پهن کردن زمینه های تطمیع، دست به فعالیت چند جانبه در زمینه خرد کردن و استحاله شخصیت میهن پرستانه و آزاده

افغان زده اند. روس ها می خواهند از انسان افغانستان شخصیت بی هویت و بی خمیره ای بسازند که مطابق میل و برنامه های استعماری شان طوری ممزوج و منحل کنند که از میهن دوستی و فرهنگ مستقل ملی ما خبری نباشد. نمونه زنده این بی شخصیتی، بی هویتی و "از خودبیگانگی"، خود "خلق و پرچی" ها هستند که بدون و به دور از غرور ملی و سنن آزدیخواهانه افغانی، کمر به خدمت استعمارگران بیگانه بسته اند. این ها به روی موفقیت پیلوت های نشئه روسی که از بمباردمان دهات و شهر های ما برگشته بودند و برای صاحب منصبان روسی که خانه های مسکونی مردم بی دفاع ما را -خانه ای که زادگاه خود آن ها نیز بوده به وحشیانه ترین شکل به توپ بستند و هزاران هموطن ما را شهید کردند، هورا کشیدند؛ به تاراج سرمایه ها و ارزش های تاریخی و فرهنگی ما از جمله دزدیدن اشیاء و آثار تاریخی، عتیقه و قیمتی ما مدد رسانده اند تا به طور سالم به شوروی انتقال یابند و...

رژیم مزدور در راستای خدمت بی چون و چرا به سیاست های استعماری روس طی تمام این مدت به اشکال و انواع متعدد و در سطوح مختلف زمینه هائی را سازماندهی و جبهاتی را باز نمود تا اساسات فرهنگی ملی ما - این ستون استوار بیگانه ناپذیری را سست و بی قواره نماید.

اطفال و جوانان ما را دسته دسته به شوروی فرستاده تا استعمارگران روس به طور دلخواه و مطابق میل و اهداف شان در جامعه روس آلوده سازند و به دور از فرهنگ غرور انگیز و آزاده ملی ما تربیت کرده و پرورش دهند. چه اگر از نسل پرورده خاک افغانستان مأیوس شوند، با استفاده از گفته مادر اسکندر مقدونی، پرورش افغان ها را به دور از خاک شان، تجربه کنند.

در حوزه های فرهنگی، مکاتب، مدارس، پوهنتون و غیره در جهت تخریب افکار و از خودبیگانگی، از یک سو بی بند و باری، هرزگی و فساد را رواج داده و از سوی دیگر در اشکال متعدد فرهنگ و زبان ارباب روسی را ترویج و تبلیغ و تحمیل کرده است.

وسایل ارتباط جمعی مانند رادیو، تلویزیون، اخبار و مجلات از ابتدای به قدرت رسیدن باند های (خلق و پرچی) تا کنون در خدمت برنامه های استعماری روس و از خودبیگانگی مردم می باشد.

به معامله و پخش مواد مخدر و استفاده از آن به طور وسیع میدان داده و از این طریق می خواهد یک جمعیت تخریب شده بی تفاوت و منفعت پرست را که در خدمت برنامه های دولت مزدور باشد، تربیت کنند.

پول زیادی را که علوئاً بدون پشتوانه چاپ شده است، در اشکال مختلف صرف برنامه های "از خودبیگانگی" و فاسد ساختن کتله های مردم ما ساخته است تا بدین وسیله از این عناصر ناباب خلأ پر ناشدنی پایه های ضعیف اجتماعی رژیم را تعمیر نماید. هم اکنون تعداد زیادی از این قبیل را زیر عنوان های از قبیل نیرو های ملیشه و گارد خاص در چوکات خاد، گروه های دفاع خودی، سازمان های زنان، جوانان، پیش آهنگان و ... مزدور ساخته و دست شان را در انجام هر گونه جنایتی باز گذاشته است.

همچنان برای افرادی به نام قومندان های تسلیمی بودجه های ویژه ای را اختصاص داده و مهمانخانه ها و عشرتکده های پرمصرفی را مهیا نموده تا بدون و به دور از قانون و قاموسی در انجام تمام جنایات و انحرافات اخلاقی و اجتماعی خود مختار باشند و این انحرافات را در درون جامعه اشاعه دهند. تا ضمن استفاده از آنها نشان دهند که این نمونه های جهادی دیروز، چه افراد لجام گسیخته اند.

تعداد قومندان های تسلیم شده نیز فراوان اند.

در نتیجه دیده می شود که دولت مزدور روس در اشکال و انواع متنوع و متعدد کوشیده است تا پایه های شخصیتی سالم مردم افغانستان را در میان گرمای منفعت پرستی و فساد و ترویج و تبلیغ فرهنگ های بیگانه استعماری سست و بی قواره نماید، تا دیگر رمق آنچنانی برای رشد و تکامل فرهنگ اصیل ملی و آزاده ما باقی نماند.

این خطر با در نظر داشت کار مداوم و همه جانبه دولت مزدور و سرازیر شدن وسایل و امکانات بی حد و حصر روسی تأثیرات منفی اش را به جای گذاشته و خطر مسخ فرهنگی را بالفعل و منحیث یک واقعیت عینی تثبیت کرده است.

جانب دیگر این قضیه را چگونگی برخورد جنبش مقاومت در این زمینه می سازد .

جنبش عظیم و شکوهمند مقاومت مردم ما علیه استعمارگران روس به حق که جانمایه فرهنگ تاریخی و ملی ما را با خود داشته و دارد، روحیه عدم پذیرش استیلای بیگانگان، خود بیان زنده و واقعی این مدعاست . ولی وجود طبیعی این خصلت و داشتن ظرفیت ها و پوتنسیل خود به خودی نمی تواند به شکل دوامدار در برابر توطئه ها و تهاجم همه جانبه فرهنگ های استیلاگر بیگانه مقاومت کند . این مواد خام فرهنگی - تاریخی باید در کوره مبارزات آزادیبخش و تحت رهبری هدفمند مردمی و مترقی پخته گردد، تا در نتیجه پایه های فرهنگ اصیل مقاومت آزادیخواهانه مستقل و مترقی شکوفا گردد .

نگاه مختصر و سطحی به نقش ویرانگر و تباه کن رهبری نیرو های ارتجاعی و بی کفایتی، فساد و وابستگی غلیظ تنظیم های نام نهاد پیشاوری و ایرانی نشان می دهد که این نیرو ها نه تنها نتوانستند جبهه لازم فرهنگی و تبلیغاتی سالم ملی را در برابر فعالیت های همه جانبه بیگانه روسی و ایادی آنها سازمان دهند، که وابستگی و فساد خود شان سر بار جنبش مقاومت شده و خطر مسخ فرهنگی و استحاله شخصیت ملی و آزادیخواهانه در جامعه ما را دو چندان ساخته است .

وقتی آتش جنگ در جبهات نظامی شعله می کشد و مقدرات مردم ما در مناطق آزاد شده نیمه آزاد عملاً به دست افراد مسلح و مجاهد افتاده است، به اندازه شدت این جنگ و حتی قوی تر از آن، این جبهات ضرورت به کار همه جانبه فرهنگی، تربیتی، اخلاقی و با اتوریته ملی و مردمی پیدا می کنند تا در پرتو فرهنگ سالم ملی، آزادیخواهانه و مردمی از یک طرف مجاهدین ما خود و شخصیت شان را به عنوان انسان های فداکار، آزاد و مسؤول درک کنند و از طرف دیگر توطئه های دشمنان را در این زمینه خنثی سازند.

ادامه در بخش دوم